



# مورخین<sup>۳</sup>

مسعود رشیدی

گاه زمانی که سخن از تاریخ رانده میشود و کسی میخواهد سخنش را با اتکاء بر سند گفته باشد نام از تاریخ نگارانی میبرد که گاه بر ما آشنا نیستند و با کتب ان مورخ نیز آشنایی نداریم. در مطالعه کتب تاریخی نیز نه کم، به نقل قول های بر خورده ایم که نام یکی از مورخین تاریخی آمده است که باز ما نمیدانیم وی در چه سالی و در چه دوره ای زندگی میکرد و کتبش چه میباشد این بود تا در این نوشتار سعی کرده ام مورخین به نامی را که در رابطه با ایران اثری از خود برجای گذاشته اند را معرفی کرده و از نوشته های آنها نامی برده باشم اما همانطور که روشن است مورخین در دوره ها، سرزمینها و زبانهای خاص بوده اند از این لحاظ آنهايي که معروفند را به ترتیب تاریخ معرفی میکنیم.

## تاریخ نگاران عهد قدیم:

**هرودوت:** وی را پدر مورخین میدانند، وی مورخ قرن ششم قبل از میلاد و اهل «میلت» میباشد این شهر جزو مستملکات ایران به شمار می آید و مورخ را باید تبعه ایران دانست. وی سفرهای بسیاری کرده و در مورد برخی از ممالک سفر کرده نوشته دارد. در مورد کیفیت نوشته های وی باید گفته شود که در برخی جاها وقایع را مشوش ذکر کرد، در مواردی داستان گویی ها جای بسیار باز کرده، ارقام اغراق آمیز میباشد در کل باید گفته شود که یونانیان قدیم علاقه خاصی به چیزهای فوق العاده داشته اند بر این سبب هرودوت از این قاعده مستثنی نیست و در نوشته های وی به خوبی قابل درک است. «استرابون» جغرافیادان عهد قدیم در جای از کتاب خود (کتاب ۱۱ فصل ۶ بند ۳) گفته است: به شعرای قدیم مانند هومر و هزیود بیشتر میتوان اعتماد کرد تا به هرودوت و مورخین دیگر.

در هر صورت وی برای ما در کل مشرق مفید است زیرا به طور کلی منظره مشرق را در زمانهای دور برای ما نمایان کرده است.

وی نه کتاب از خود برجای گذاشته است از این جهت آنرا تاریخ در نه کتاب می نامند زیرا هر یک از کتب با نام یکی از موز<sup>۱</sup> های یونانی شروع شده است. مدت زندگانی وی را از ۴۸۴ تا ۴۲۵ ق.م میدانند.

<sup>۱</sup> - موزها نه ربة النوع بودند که هر يك صنعتي را حمايت ميكرد از قبيل شعر، موسيقي، نمايش و... مهمترين آنها شعر و فصاحت بوده است.

**کزنفون:** وی در ۴۳۰ پیش از میلاد تا ۳۵۲ پیش از میلاد میزیسته است. تصنیفات زیادی از خود برجای گذاشته است. از شاگردان سقراط حکیم بوده است. راجع به ایران دو کتابش بسیار مورد توجه است اول «اکونومیکا» که سفر جنگی کوروش کوچک میباشد. دوم «کورودی» یا «سیرویدی» یعنی تربیت کوروش. وی در جنگ کوروش کوچک با اردشیر دوم هخامنشی شرکت داشته است.

**کتزیاس:** وی به مدت ۱۷ سال (۴۱۵-۳۹۸ ق.م) معالج پروشات زن داریوش دوم و طبیب اردشیر دوم هخامنشی بوده است. کتب وی عبارتند از: ۱- ایندیکا (تاریخ هند). ۲- پرسکی کا (تاریخ ایران). ۳- در مورد رودها. ۴- دریانوردی به دور آسیا. ۵- در مورد کوها. اما مهمترین تالیف وی ۲۳ کتاب بوده: شش کتاب در مورد تاریخ آسور و ماد، هفت کتاب در باب تاریخ ایران<sup>۱</sup> و ده کتاب آخر ادامه تاریخ ایران تا ۳۹۸ پیش از میلاد در این سال کتزیاس از دربار ایران برفت. در مورد میزان کیفیت نوشته های وی باید گفته شود که چندان مورد اعتماد نیست: نخست این که افرادی مانند ارسطو، آریان، سترابون و لوسین<sup>۲</sup> نوشته هایش را سخت مورد انتقاد قرار داده اند. دوم اینکه هند را ندیده است و نوشته هایش از گفته های ایرانیان و مردمان سرحدی هند میباشد. ایران را در زمان هخامنشی پست تر از هرودوت توصیف کرده است.

**دیودور سیسیلی:** این مورخ در قرن اول قبل از میلاد میزیسته و قصد نوشتن تاریخ عمومی را داشته و چهل کتاب مینویسد ولی تا امروز بیست و یک کتاب از چهل کتاب باقی مانده است. وی را کتابخانه تاریخ نامیده اند. در مورد نبشته هایش باید گفته شود تالیفش مبنی بر نوشته های مورخین قبل از خود است اما باید دانست که وی چهار قرن بعد از هرودوت میزیسته و به منابع بیشتری دسترسی داشته است.

**یوسف فلاویوس:** مورخ یهودی که در ۳۰۷ م. تولد یافت. کتب وی از این قرارند: ۱- هفت کتاب راجع به وقایعی که دنبال آن جنگهای رومیان با یهود و خراب شدن بیت المقدس بود. ۲- کتاب دیگر که دارای بیست فصل میباشد و در مورد عهد عتیق یهود است. در این تالیف تا فصل هفتم کتاب یازدهم نوشته هایش موافق تورات است، بعد از آن کوروش بزرگ تاریخ یهود را دنبال کرده است. ۳- کتابهای نیز در شرح احوال خود نوشته است. ۴- کتابی هم در مورد قدمت یهود نوشته است این کتاب را در واقع برای دفاع از ملت یهود نوشته است.

**پلوتارک:** وی در حدود ۵۰ و ۱۲۰ میلادی میزیسته است و اهل یونان میباشد. او پیرو فلسفه افلاطون میباشد. در مورد مذهب مصری ها تحقیقاتی کرده است. تصنیفاتی از خود دارد که تعدادش را ۱۲۰ ذکر کرده اند. اما در مورد نوشته هایش باید گفته شود به دو دسته تقسیم کرده اند فلسفه و تاریخ: ۱- تصنیفات فلسفی وی در مورد اخلاق است و اخلاق را مربوط به مذهب می دارد. کتابی در این زمینه در مورد «ایزیس» و «اوبیریس» نوشته که اطلاعات مفیدی راجع به مذهب ایرانیان به ما میدهد. ۲- کتب تاریخی بیشتر شرح مردان نامی که اکثرا یونانی یا رومی بوده اند نوشته که باید تصنیفی را که در باب اردشیر دوم هخامنشی نوشته به آنها افزود افزود.

<sup>۱</sup> - از کوروش بزرگ تا فوت خشیارشا  
<sup>۲</sup> - نویسنده یونانی در قرن دوم میلادی

**آریان:** وی در نیکومدی واقع در بی تی نیه تولد یافت. او در زمان آدریان امپراطور روم در سال ۱۳۰ تا ۱۳۸ میلادی سمت قونسولی روم را در کاپادوکیه دارا بود. وی تالیفات زیادی از خود برجای گذاشته است که در مورد فلسفه، تاریخ، جغرافیا و ... وی صاحب کتاب «آنابازیس» یا تاریخ سفرهای جنگی اسکندر میباشد وی اسکندر را ستایش نمیکرده به همین دلیل هرچه که به اسکندر بر میخورده را در موردش سکوت نمیکرده یا به کوتاهی در موردش سخن میگفته است. میتوان گفت وی میخواست از کزنفون تقلید کند حتی اسم کتابش هم از وی اقتباس کرده است و همانطور که کزنفون کوروش بزرگ را مطلوب خود قرار داده آریان هم اسکندر یا مخرب همان دولت را معبود خیش قرار داده است. وی چهار کتاب در مورد هند نوشته است. کتابهای در مورد وقایع پس از فوت اسکندر. تالیفی در مورد جنگهای رومی با پارتی که اثری از آن باقی نمانده است و مفقود شده است. کتابی هم در باب جغرافیا نبشته است که به نام «پریپ لوس» میباشد. کتابی نیز در مورد صحبت‌های اپیک ت<sup>۱</sup> استاد آریان بود به او نسبت میدهند.

مورخین قرون اسلامی به غیر از دوره ساسانی نمیتوانند در مورد ایران قبل ساسانی اطلاعات خوبی به ما دهند و بیشتر نوشته هایشان در این باب از خداینامه و یا شاهنامه منظوم ما بوده است و برای کسانی که در جستجوی داستانهای ایران هستند مفید است. اما در مورد قرون بعد از اسلام اطلاعات کامل و مفیدی را در اختیار ما گذارده اند.

### مورخین و مولفین قرون اولیه اسلام

**ابن مَقَفَّع:** ابومحمد عبدالله بن المقفع الکتاب، اسم ایرانیش روزبه اصلیتا خوزستانی بوده در سنه ۱۰۶ هجری تولد یافته و در بصره بزرگ شد. پدرش زرتشتی بود و خود او هم بیشتر عمر خود را در این مذهب گذراند. در اواخر عمر مسلمان شد اما باطنا زده‌تشی بماند. اول کسی بود که منقح را برای ابوجعفر منصور ترجمه کرد. از کارهای مهم او میتوان به ترجمه کليلة و دمنه از پهلوی به عربی اشاره نمود. و ابن الندیم و سایرین از او زیاد نقل قول کرده اند. تالیفات زیاد دارد و مهمترین آنها میتوان «الدَّرَّةُ الْيَتِيمِيَّةُ فِي طَاعَتِ الْمُلُوكِ» اشاره کرد. نوشته اند به امر منصور خلیفه عباسی (۱۳۶-۱۵۸ هجری) و به دست سفیان حاکم بصره کشته شد.<sup>۲</sup>

**جاحظ:** ابوعثمان عمرو بن بحر الکانی البصری معروف به جاحظ. در حوالی سال ۱۶۰ هجری در بصره متولد شد کتب زیادی به زبان سریانی و پارسی که ترجمه شده بود خوانده. مدتی در بغداد بزیست. تالیف زیادی دارد که از مهمترین آنها میتوان به «البیان و التنبین» اشاره کرد در این کتاب اقسام بیان و احادیث و خطبه ها را جمع آوری کرده است. وی در بصره به سال ۲۵۵ هجری درگذشت.

<sup>۱</sup> - فیلسوف قرن اول میلادی از مذهب رواقیف در فریگیه تولد یافت و غلام شخصی اپافرو دیت نام در رو بوده است. صاحب وی روز پای فیلسوف مزبور را برای زجر در آلتی گذارده می پیچاند. اپیک تت گفت: «چنین که تو میکنی پیام میشکند» اپافرو دیت اعتنا به حرف فیلسوف نکرد و چون پایش شکست، فیلسوف به گفتن همین چند کلمه اکتفا کرد: «نگفتم پیام خواهد شکست؟».

<sup>۲</sup> - معجم المطبوعات العربیة و المغربیة، ثانی صفحه ۲۴۹-۲۵۰ طبع مصر ۱۹۲۸.

**طبری:** ابوجعفر محمدبن جریربن یزیدبن خالدبن الطبری آملی چنانکه نوشته اند تولد وی در امل در سنه ۲۲۴ بوده است. وی تحصیلات خود را در بغداد به انجام رسانید و اسناد کتب خود را از مصر، عراق، شام، کوفه و ری راجع به تاریخ جمع آوری کرده است. کتابش موسوم است به «تاریخ الرسل والملوک» وی در این کتاب سنوات را انچنان که روایت به او رسیده ضبط کرده است. طبری در بغداد به سال ۳۱۰ هجری درگذشت.

**بلاذری:** ابوالعباس احمدبن یحیی بن جابر بن داود البلاذری البغدادی در بغداد متولد شد وی مترجم کتب فارسی به عربی بود. از تالیفات وی «النساب الشراف و اخبارهم» و دیگری «فتوح البلدان» میباشد. او در سال ۲۷۹ هجری قمری درگذشت. ابن الندیم گوید: جدش جابر بلاذری<sup>۱</sup> نوشید بدون این که از خاصیت آن باخبر باشد و بیمار شد. از این جهت وی را بلاذری خواندند.

**ابن خردادبه:** عبیدالله بن احمد بن خردادبه در سال ۲۱۱ هجری متولد شد وی در ابتدا زرتشتی بود ولی بعد به دست برامکه مسلمان شد. از تالیف او میتوان «المسالک و الممالک» را نام برد که درونش از ممالک صحبت کرده اطلاعات خوبی در دوره عباسی میدهد. وی در سال ۳۰۰ درگذشت.

**ابن الندیم:** ابوالفرج محمدبن اسحق بن ابی یعقوب الندیم الوراق در سال ۲۹۷ هجری متولد شد. از تالیفات با ارزش او «کتاب الفهرست» میباشد که در سال ۳۷۷ به اتمام رسیده است. در مورد فوتش رایات گوناگون است چنانکه فوتش را به سال ۳۷۸ و ۳۸۵ و ۳۹۲ ذکر کرده اند.

**مسعودی:** ابوالحسن علی بن الحسین المسعودی الشافعی. گویند تولدش در اول قرن سوم هجری بوده است. بعد از سیاحت ممالک غرب به پارس رفته و در اصطخر سکنی گزید. و از آنجا سفر خود را ادامه داد و به گرگان، شام، هند، و چین در آمد. کتابی دارد به نام «مروج الذهب و معادن الجواهر» و دیگری «کتب التنبيه» که اطلاعات خوبی را داراست. وی در سنه ۳۴۵ یا ۳۴۶ درگذشت.

**اصطخری:** ابواسحق ابراهیم بن محمد الفارسی الاصطخری در اصطخر فارس متولد شد در ۳۲۹ شروع به سیاحت کرد و ممالک فراوان را دیدن کرد. از تالیفاتش میتوان به «صورالاقالیم» و «مسالک و الممالک» اشاره کرد که اطلاعات جغرافیایی مورد توجه ای دارد.

**ابن حوقل:** ابوالقاسم محمدبن حوقل البغدادی الموصلی از نویسندگان قرن چهارم هجری میباشد که از سال ۳۲۰ تا ۳۴۸ هجری به سیاحت در مشرق پرداخت. کتابی دارد به نام «المسالک و الممالک و المفاوز و المهالك» که مضمونش راجع به شهرهای مهم و معتبر قرون اسلامی است. در مورد کیفیات کتابش باید ذکر شود که در توصیف بلاد چیز چندانی ننوشته و برخی اسما را ضبط نکرده است. در کل عاری از اوهام نیست.

---

<sup>۱</sup> - درختیست از درختان هند میوه ای مدهد که در طب استعمال میشود و معروف به حب الفهم است نام لاتین درخت مزبور (Anacardia) میباشد.

**المقدسی:** المطهر بن طاهر المقدسی که در اواخر قرن چهارم میزیسته کتابی را به او نسبت داده اند موسوم به «**البدء والتواریخ**» زیرا برخی عقیده بر این دارند که کتاب مزبور از ابوزید بلخی می باشد.

**ابن اثیر:** ابوالحسن علی بن ابی الکرام الشیبانی معروف به ابن اثیر می باشد. کتابی دارد که درونش از وقایع عالم از عهد قدیمه تا ۶۲۸ هجری نوشته است به نام «**کامل التواریخ**». میتوان گفت اسلوب کتاب همان اسلوب طبری است.

**ابن عبری:** گریگوریوس ابوالفرج بن هرون النصرانی مشهور به ابن عبری در سال ۶۲۳ در ملطیه متولد شد. چندی به سمت اسقف در دمشق بود. چون زبان سریانی و یونانی میدانست از کتب غربی استفاده کرده تالیفی دارد به نام «**مختصر الدول**» راجع به ایران قدیم ولیکن عاری از نفوذ داستان های ما نیست بلکه گاهی داستانهای ما زیاد هم میشود.

**ابن خلدون:** ولی الدین عبدالرحمن بن محمد بن خلدون التونسی الحضری الاشییلی المالکی به سال ۷۳۲ در تونس متولد شد و در سال ۷۸۴ از آنجا به قاهره رفته و به امر سلطان برقوق قاضی القضاات گردید. بعد چندی در زمان تیمورلنگ امیر شام شد. کتابی دارد به نام «**مقدمه ابن خلدون**» که در سنه ۷۷۹ هجری به پایان رسانیده است .

**ابن بطوطه:** شرف الدین ابو عبدالله بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم بن یوسف اللواتی ثم الطنجی معروف به ابن بطوطه در طنجه متولد شد و سیاحت خود را از سنه ۷۲۵ آغاز کرد و به عراق، هند، شام، تاتارستان، چین و مصر سفر کرد. نتیجه سیاحتهای خود را در کتابی موسوم به «**تحفة النظائر فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار**» آورده است.